

ORIGINAL ARTICLE

Investigating the Effect of Globalization on Capability Poverty in the Selected Islamic Countries

Seyed Ehsan Hosseinidoust¹, Hamid Sepehroust², Farshid Moradi³

1. Assistant Professor, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan,, Iran

2. Professor, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan,, Iran

3. MSc of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan,, Iran

Correspondence

Seyed Ehsan Hosseinidoust
Email: hosseinidoust@basu.ac.ir

Received: 08/ Jul/ 2023

Accepted: 18/ Dec/ 2023

How to cite:

Hosseinidoust, S.E., Sepehroust, H. and Moradi, F. (2024). "Investigating the Effect of Globalization on Capability Poverty in the Selected Islamic Countries". [DOI:10.30473/egdr.2024.68590.6753](https://doi.org/10.30473/egdr.2024.68590.6753)

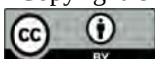
ABSTRACT

Poverty is one of the oldest and even the most important problems of human societies, which affects various aspects of individual and social life. Due to the multi-dimensional nature of this phenomenon, dealing with the factors affecting it has always been one of the challenging issues in economic discussions and solving this problem is one of the important goals that are considered in all of the economic planning. Considering the guidelines of Islam regarding to the economic welfare and poverty alleviation of the society, the lack of a study that examines the effect of various variables on the capability poverty index in Muslim countries is noticeable. Moreover, the studies conducted on other countries are along with contradictions in their findings, which doubles the necessity of investigating this issue. Therefore, the aim of the present study is to investigate the effect of factors affecting capability poverty in the selected Muslim countries known as the D8 group relying on the Feasible Generalized Least Squares (FGLS) method during the period of 1997-2021. Results show the negative and significant effect of globalization on capability poverty in the D8 countries during the covered period, such that for each unit increase in the globalization index, capability poverty decreases by 1.8%, which indicates a relative improvement in the welfare of these countries. Likewise, the impact of economic growth on capability poverty is positive, so that a one percent increases in economic growth leads to an increase in capability poverty by 0.21 percent. Such finding can be due to not utilization of the benefits of growth to improve welfare infrastructure in the mentioned countries. In addition, the effect of control variables such as inflation and geographical distribution of the population has also been evaluated positively on capability poverty. Based on the findings of the current study, it is recommended to adopt inflation control programs and moving towards the promotion of globalization indicators in the economies of the D8 group.

KEYWORDS

Capability Poverty, KOF Globalization Index, Economic Growth, Inflation, Geographical Distribution of Population, D8 Countries, FGLS Approach

JEL: F62 ,C01 ,C23.



«مقاله پژوهشی»

بررسی تأثیر جهانی شدن بر فقر قابلیت در کشورهای منتخب اسلامی

سیداحسان حسینی دوست^۱، حمید سپهر دوست^۲، فرشید مرادی^۳

چکیده

مقابله با فقر از جمله اهداف مهمی است که در تمامی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بدان توجه می‌شود اما به دلیل چند بعدی بودن این پدیده، پرداختن به عوامل مؤثر بر آن همواره جزء مسائل چالش برانگیز در مباحث اقتصادی می‌باشد. از یک سو، علیرغم توصیه‌های دین اسلام در خصوص ارتقاء رفاه اقتصادی و فقرزدایی از جامعه، آمارهای منتشره بیانگر فاصله داشتن کشورهای مسلمان نسبت به شرایط مطلوب است و از سوی دیگر، فقدان مطالعه جامعی که به بررسی اثر متغیرهای مختلف اقتصادی بر فقر قابلیت در این گروه از کشورها پرداخته باشد به چشم می‌خورد. همچنین، پژوهش‌های انجام شده در مورد سایر کشورها نیز دچار تناقض در یافته‌ها هستند که ضرورت بررسی این مسئله را دوچندان می‌کند. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر بررسی اثر عوامل مؤثر بر فقر قابلیت از قبیل شاخص جهانی شدن، نرخ تورم، نرخ شهرنشینی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب مسلمان موسوم به گروه D8 مبتنی بر روش حداقل مربعات تعمیم یافته در دسترس (FGLS) طی دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۲۱ می‌باشد. نتایج حاصله نشان‌دهنده اثر منفی و معنادار جهانی شدن بر فقر قابلیت در کشورهای مذکور هستند که حاکی از ایجاد بهبود نسبی در وضعیت رفاهی این کشورها است. همچنین، تأثیر رشد اقتصادی بر فقر قابلیت مثبت بوده که ناشی از عدم بکارگیری منافع حاصل از رشد در جهت بهبود زیرساخت‌های رفاهی در این کشورها می‌باشد. اثر متغیرهای کنترلی مانند تورم و توزیع جغرافیایی جمعیت نیز بر فقر قابلیت مثبت ارزیابی شده است. براساس نتایج حاصله می‌توان توصیه نمود که اقتصادهای گروه D8 به اتخاذ برنامه‌های کنترل تورم همگام با جلوگیری از رشد حاشیه نشینی در شهرها بپردازند و با ارتقای شاخص‌های جهانی شدن در کنار کنترل جنبه‌های منفی آن، به کاهش فقر در اقتصادهای خود کمک نمایند.

واژه‌های کلیدی

فقر قابلیت، جهانی شدن، رشد اقتصادی، تورم، توزیع جغرافیایی جمعیت، کشورهای گروه D8، رویکرد FGLS

طبقه بندی JEL: F62، C01، C23.

۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.
۲. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.
۳. کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.

نویسنده مسئول:

سیداحسان حسینی دوست

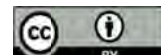
رایانامه: hosseinidoust@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

استناد به این مقاله:

حسینی دوست، سیداحسان؛ سپهر دوست، حمید و مرادی، فرشید (۱۴۰۳) بررسی تأثیر جهانی شدن بر فقر قابلیت در کشورهای منتخب اسلامی. فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۴ (۵۶)، ۲۸-۱۳.
(DOI:10.30473/egdr.2024.68590.6753)



۱- مقدمه

مسئله فقر از قدیمی‌ترین مشکلات اقتصادی است که ابعاد مختلف زندگی انسان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع فقر نه تنها دارای آثار اقتصادی منفی است بلکه بر بسیاری از متغیرهای اجتماعی نظیر جرم و بزهکاری، طلاق، خودکشی، شیوع بیماری‌های واگیر و نظایر آن تأثیرگذار می‌باشد. فقر باعث می‌شود که افراد فقیر بدون برخورداری از آزادی‌های اساسی در انتخاب و عمل و کم امید به آینده‌ای بهتر، زندگی کنند. عدم برخورداری از استانداردهای مشخص در دستیابی به غذای کافی، مسکن، تحصیلات و بهداشت از جمله محرومیت‌هایی است که آنان را از داشتن زندگی مطلوب محروم می‌سازد. فقر از دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی تعاریف مختلفی دارد، عمده‌ترین تعاریف فقر که در مطالعات مختلف به آنها پرداخته شده است عبارت‌اند از فقر درآمدی، فقر مرحله‌ای، فقر بین نسلی و فقر قابلیت^۱ (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۳). تعریف فقر مبتنی بر رویکرد قابلیت، جنبه‌های مختلفی از زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه را پوشش می‌دهد، اساساً فقر قابلیت به محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی و ناتوانی در خروج از فقر اشاره دارد. این تعریف ابعاد گسترده‌تری از فقر را در نظر می‌گیرد که در سایر تعاریف معمول فقر در نظر گرفته نشده است (آمرتیا سن، ۱۹۹۸؛ روبینز، ۲۰۰۲). تمرکز عمده این رویکرد بر توانایی مردم در انجام کارها و دسترسی آنها به حداقل‌های مورد نیاز برای یک زندگی مطلوب است. به دلیل چند بُعدی بودن پدیده فقر قابلیت، آن را فقر چند بُعدی^۲ یا شاخص فقر انسانی (HPI)^۳ نیز نامگذاری کرده‌اند. پرداختن به عوامل مؤثر بر فقر همواره جزء مسائل چالش برانگیز در مباحث توسعه اقتصادی بوده و تأثیر بسیاری از متغیرهای کلان بر آن به درستی شناخته نشده است (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴). همچنین، تجربه بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مورد شناخت اثر متغیرهای کلان بر فقر، متفاوت بوده و یافته‌ها، دارای تناقض می‌باشند. به عنوان مثال اثر عامل تورم، را بر فقر قابلیت در برخی مطالعات مثبت و در برخی دیگر منفی گزارش شده است یا اثر جهانی شدن بر فقر قابلیت را گاهی مثبت و گاهی

منفی تخمین زده‌اند مانند مطالعات شکیل و عمران^۴ (۲۰۲۲)؛ برگ و نیلسون^۵ (۲۰۱۴)؛ حسن‌زاده (۱۳۷۹)؛ اکبریان و زارع حقیقی (۱۳۹۰). از این رو، بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی مثل جهانی شدن، رشد اقتصادی و تورم بر فقر قابلیت حائز اهمیت می‌باشد.

جهانی شدن، عبارت است از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که ایجاد کننده نظام جهانی کنونی بوده است و نیز فرآیندی که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در هر بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در سایر اقتصادها داشته باشد (افقه و همکاران، ۱۳۹۸). یکی از موارد بحث برانگیز در رابطه با جهانی شدن، اثرگذاری آن بر شرایط زندگی مردم و به طور روشن‌تر بر مقوله فقر می‌باشد. با بررسی مطالعات گذشته درمی‌یابیم که برخی از محققان بر این باورند که بین مؤلفه‌های جهانی شدن و فقر رابطه مثبت وجود دارد که برای نمونه می‌توان به پژوهش‌های موجری^۶ (۲۰۰۲)؛ هانسون^۷ (۲۰۰۷)؛ بیسواس^۸ (۲۰۰۶) و شکیل و عمران^۹ (۲۰۲۲) اشاره کرد. از سوی دیگر مطالعاتی نیز به ارتباط منفی بین آنها دست یافته‌اند مانند مطالعات گرین‌وی و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۲)؛ هریسون^{۱۱} (۲۰۰۶)؛ بهاسین و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۶)؛ برگ و نیلسون (۲۰۱۴). بر این اساس و به دلیل وجود چنین تناقض‌هایی در یافته‌های قبلی بررسی این موضوع برای پوشش دادن شکاف تئوریک کنونی، ضروری بنظر می‌رسد. از نوآوری‌های مطالعه حاضر این است که به بررسی همزمان رابطه جهانی شدن، رشد و فقر قابلیت پرداخته است که بررسی پیشینه پژوهش حاکی از اندک بودن چنین مطالعاتی است. همچنین، مطالعات گذشته از شاخص جامعی مانند شاخص فقر قابلیت استفاده نکرده‌اند و غالباً بر شاخص فقر درآمدی تأکید شده است مانند مطالعات شکیل و عمران (۲۰۲۲)؛ اکبریان و زارع حقیقی (۱۳۹۰)؛ دالر و کرای (۲۰۰۴)؛ افقه و همکاران (۱۳۹۶). از سوی دیگر، اکثراً پژوهش‌های پیشین صرفاً بر یکی از ابعاد جهانی شدن مانند آزادسازی تجاری یا سرمایه‌گذاری خارجی تأکید کرده‌اند، که

4. Shakil & Imran

5. Bergh & Nilsson

6. Mujeri

7. Hanson

8. Biswas

9. Shakil & Imran

10. Greenaway et al.

11. Harrison

12. Bhasin et al.

1. Capability Poverty

2. Multidimensional Poverty Index

3. Human Poverty Index (HPI)

یک جامعه تعریف می‌کند. بوت و روانتری^۴ به فقر از منظر فقر مطلق و نسبی توجه نموده و میان این دو تمایز قائل می‌شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است. بنابراین، در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. برای دستیابی به عمق نابرابری در توزیع درآمد (یا مصرف) بین افراد یا خانوارها می‌توان درصد کل درآمد دریافت شده توسط فقیرترین قشر جامعه را با درصد درآمد دریافت شده توسط ثروتمندترین قشر مقایسه کرد. البته باید توجه داشت که این مفهوم در کشورهای مختلف به صورت‌های متفاوت تعریف می‌شود و طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر یافته است (مدنی‌قه فرخی، ۱۳۹۶). بانک جهانی در تعریف فقر معتقد است که فقرا کسانی هستند که از منابع اقتصادی کافی برای تأمین نیازهای اساسی خود برخوردار نیستند. آمارتیاسن در سال ۱۹۸۱ اشاره کرده است که فقر را می‌بایست به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی زندگی در نظر گرفت و نه فقط پایین بودن درآمدها که ضابطه متعارف شناسایی فقر است. البته محرومیت خود مفهومی ذهنی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، تعاریف متفاوتی داشته باشد. آنچه که چشم‌انداز قابلیت‌ی در تعریف فقر انجام می‌دهد این است که درک ما را از ماهیت و علل فقر و محرومیت گسترش می‌دهد (سین، ۱۹۸۱). متناسب با تعاریف متفاوتی که از فقر صورت می‌گیرد انواع مختلفی از آن نیز معرفی می‌شوند که برخی تنها جنبه درآمدی فقر و برخی دیگر جنبه‌های مختلفی از زندگی اقتصادی-اجتماعی افراد جامعه را در بر می‌گیرند. مانند: فقر شدید، فقر مطلق، فقر نسبی، فقر مرحله‌ای، فقر بین نسلی، فقر مزمن و فقر قابلیت‌ی. رویکرد قابلیت نسبت به سایر انواع فقر رویکردی جامع‌تر بوده و زوایای پنهان در سایر تعاریف فقر را نیز در نظر می‌گیرد. مبدأ رویکرد قابلیت نقد نظریه درآمد محور بود. چرا که علی‌رغم رشد اقتصادی کشورها و افزایش درآمدهای آنها، جنبه‌های غیر اقتصادی فقر در وضعیت نامناسبی قرار داشتند. بنابراین اقتصاددانانی مانند آمارتیاسن و محبوب الحق دریافتند که توجه صرف به درآمدها دچار کاستی‌های جدی است و ریشه و

فاقد جامعیت کافی برای بررسی این پدیده می‌باشند، بنابراین بررسی مجدد و کامل‌تر مطالعات پیشین با بهره‌گیری از شاخص‌های جامع‌تری مانند شاخص KOF^۱ ضروری بنظر می‌رسد که در مطالعه حاضر بدان توجه شده است. گروه هشت کشور مسلمان در حال توسعه (D8) شامل اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه از جمله پیمان‌هایی است که به‌منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی و تقویت نفوذ این کشورها در بازارهای جهانی و برقراری گفت و گو با کشورهای صنعتی تشکیل گردیده است. این مجموعه کشورها با وجود آنکه دارای منابع طبیعی بسیار غنی، جمعیت زیاد، مساحت قابل توجه و امکانات بالقوه فراوان هستند اما در مقیاس جهانی جزء کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند و تعاملات اقتصادی و تجاری آنها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، کمتر است. به بیان دیگر، این گروه هنوز نتوانسته‌اند در استفاده از پیمان منطقه‌ای ایجاد شده عملکرد قابل قبولی از خود نشان دهند که عمده دلایل آن را می‌توان عواملی چون: وقوع جنگ، بحران‌های مالی و اقتصادی و فقر معرفی نمود (آچار و کارااچ، ۲۰۲۱).^۲ به‌همین دلیل بررسی عوامل مؤثر بر فقر قابلیت‌ی و وضعیت رفاهی آنها امری ضروری بنظر می‌رسد.

ساختار مطالعه حاضر بدین ترتیب است که پس از ارائه اهمیت موضوع و هدف تحقیق در بخش مقدمه، مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی بررسی گردیده و سپس به معرفی روش تحقیق، داده‌ها و متغیرهای مدل می‌پردازیم. نتایج حاصل از تخمین مدل و آزمون‌های مربوط به داده‌های تابلویی ارائه و تفسیر شده و نهایتاً در بخش نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی مبتنی بر یافته‌های مدل پژوهش ارائه شده‌اند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اینکه فقر را چگونه تعریف کنیم و علل بروز آن را چه عواملی بدانیم مشخص می‌کند که چرا و چگونه باید با آن مقابله کنیم. در همین راستا و به دلیل ماهیت چند بُعدی فقر، تعاریف متفاوتی از فقر ارائه شده است. به‌عنوان مثال تانسند^۳ (۱۹۷۹) فقر را به صورت فقدان یا عدم برخورداری مناسب از تغذیه، امکانات زندگی، خدمات و فعالیت‌های معمول و متداول در

^۱ KOF مخفف کلمه آلمانی "Konjunkturforschungsstelle" به معنی: مؤسسه تحقیقاتی چرخه اقتصادی است. این شاخص از ۲۴ متغیر استفاده می‌کند که سه حوزه جهانی شدن را پوشش می‌دهد: جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن اجتماعی و جهانی شدن سیاسی.

^۲ Acar & Karaagac

^۳ Townsend

^۴ Booth and Rowntree

۳- پیشنهاد پژوهش

پژوهش‌های تجربی که به موضوع فقر مبتنی بر رویکرد قابلیت و یا عومل مؤثر بر آن بپردازند اندک هستند. بنابراین در این راستا مطالعات مرتبط با متغیرهای مؤثر بر فقر قابلیت‌نظیر جهانی شدن و رشد اقتصادی و نیز مطالعات فقر و نابرابری درآمدی نیز ذکر شده‌اند تا دید جامع‌تری از مسئله فقر قابلیت‌نظیر و چگونگی اثرگذاری عوامل مؤثر ارائه دهند. در ادامه نتایج این مطالعات را در دو گروه مطالعات خارجی و داخلی به صورت خلاصه بیان می‌نماییم.

۳-۱- مطالعات داخلی

افقه و همکاران به بررسی تأثیر جهانی شدن و رشد اقتصادی بر فقر در ایران طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۱ پرداخته‌اند. برای این منظور از شاخص جامع جهانی شدن KOF و تکنیک‌های اقتصاد سنجی شامل روش یوهانسن-جوسیلیوس و مدل تصحیح خطا استفاده نموده‌اند. نتایج حاصل از الگو نشان می‌دهد که جهانی شدن و رشد اقتصادی اثر منفی و معناداری بر فقر دارند و با افزایش این دو ضریب از طریق افزایش صادرات که منجر به رشد اقتصادی می‌شود و نیز جذب سرمایه‌گذاری که ناشی از جهانی شدن است، باعث کاهش فقر و نابرابری در کشور می‌شوند. همچنین ضریب تصحیح خطا سرعت بالای تعدیل عدم تعادل در کوتاه مدت و تمایل به تعادل در بلند مدت را نشان می‌دهد (افقه و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳).

جعفری صمیمی و همکاران به بررسی اثر ابعاد سه‌گانه جهانی شدن شامل جهانی شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر رفاه اقتصادی برای ۵۰ کشور منتخب در سه گروه درآمدی بالا، متوسط و پایین طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۵ پرداخته‌اند. برای این منظور رفاه اقتصادی را با استفاده از شاخص ترکیبی جهانی شدن (IEWB) مدل‌سازی نموده‌اند. نتایج برآورد الگو نشان داد در کشورهای با درآمد بالا بُعد اقتصادی و اجتماعی جهانی شدن بر رفاه اقتصادی اثر مثبت داشته و بُعد سیاسی اثر معناداری ندارد (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸).

حکمتی فرید و همکاران با بهره‌گیری از روش‌های داده‌های تابلویی پویا و مدل گشتاور تعمیم یافته (GMM) به بررسی اثر جهانی شدن بر شاخص فقر انسانی (HPI) کشورهای دارای توسعه انسانی بالا (شامل ایران) طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر منفی و معنی‌دار متغیرهای آزادسازی تجاری، رعایت حقوق

علت اصلی فقر را نه کمبود یا نبود درآمد بلکه باید علت اصلی آن را در فقدان شرايطی که امکان خروج از وضعیت فقر را برای افراد فقیر فراهم می‌نماید، دانست و می‌بایست نظر خود را به جای تمرکز محدود بر درآمد به عنوان متغیر محوری، بر روی عنصر قابلیت معطوف سازند (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴). واژه «قابلیت» را ابتدا آمارتیا سن استفاده نمود و بعد از آن به سرعت وارد ادبیات اقتصادی-اجتماعی مطالعات مربوط به فقر شد. سن رویکرد مطلوبیت ارزش کالاها را، که نهایتاً به نقش کارکردی رفع نیازهای انسان و ایجاد مطلوبیت میل داشت، تغییر داد و رویکرد قابلیت را، که عمده‌تأ متمرکز بر توانایی مردم در انجام کارهاست، جایگزین آن کرد. اساس نظریه فقر قابلیت‌نظیر متوجه آن است که وضعیت اقتصادی-اجتماعی افراد باید حاصل انتخاب‌های آنها باشد نه اجبار. بر پایه این نقد، مطلوبیت دو نفر که دارای درآمد مشابه هستند اما شرایط متفاوتی را تجربه می‌کنند (مثلاً یکی سالم و دیگری معلول) را نمی‌توان یکسان تلقی نمود، زیرا فرد معلول با درآمد مساوی با فرد سالم ممکن است در وضعیت نامناسب‌تری به سر ببرد، زیرا او از یک محرومیت قابلیت‌نظیر (و نه درآمدی) نیز رنج می‌برد (شریف زادگان، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که بدلیل عدم گزارش داده‌ها و اطلاعات مربوط به شاخص فقر قابلیت‌نظیر (MPI)^۱ در سایت بانک جهانی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه و خصوصاً کشورهای مسلمان گروه D8 از یک سو، و نزدیکتر بودن ماهیت شاخص فقر انسانی (HPI)^۲ به شاخص MPI از سوی دیگر، این شاخص جایگزین گردیده است. شاخص HPI مبتنی بر عواملی نظیر: محرومیت از طول عمر، محرومیت از دانش و محرومیت از سطح زندگی است. شاخص فقر چند بعدی نیز مشابه شاخص قبلی به عوامل متعدد اثرگذار بر فقر اشاره دارد و برخلاف شاخص HPI ابعاد بیشتری از زندگی انسان را در بر می‌گیرد و به عواملی از قبیل تغذیه، مرگ و میر کودکان، سالهای تحصیل، برخورداری از آب و برق و مانند آنها می‌پردازد، که بسیاری از این عوامل در شاخص HPI نیز دیده شده‌اند.^۳

^۱. Multidimensional Poverty Index

^۲. Human Poverty Index

^۳. جهت مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: اقتصاد به زبان ساده، شماره (۳۷)، فقر به زبان ساده، مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، بهمن ۱۳۹۷.

زاغه‌نشینی می‌شود اما جهانی شدن سیاسی و اجتماعی اثری منفی بر گسترش زاغه‌نشینی دارند و باعث کاهش آن می‌شوند (وون و جون، ۲۰۲۰: ۱۶۵).

برونینگ و ماجد^۲ با تمرکز بر نابرابری، فقر و تعامل بین آنها به بررسی مجدد فرضیه تأثیر منفی نابرابری بر رشد اقتصادی که در تحقیقات اخیر برجسته شده است، می‌پردازند. آنها نتایج قبلی که نشان دهنده تأثیر منفی نابرابری بر رشد هستند را مجدداً تکرار می‌کنند. با این حال آنها در مطالعه خود نشان می‌دهند که وقتی تأثیر منفی نابرابری و فقر را در نظر می‌گیرند، بنظر می‌رسد که تأثیر منفی نابرابری در رشد در میان کشورهای دارای فقر بالا، متمرکز شده است (برونینگ و ماجد، ۲۰۱۹: ۹۱).

یان‌هوای و ژیو^۳ به بررسی تأثیر عوامل مختلفی بر فقر قابلیت‌ی در شهرهای مختلف استان شن‌ژن^۴ مبتنی بر داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. فاکتورهایی از قبیل مقدار بیمه تأمین اجتماعی، میزان شمول بیمه‌های دولتی و خصوصی، میزان همبستگی اجتماعی^۵، توانمندسازی اجتماعی^۶ و قدرت اتحادیه‌های کارگری. با توجه به تأثیر منفی بیمه‌های تأمین اجتماعی و همچنین توانمندسازی اجتماعی بر کاهش فقر قابلیت‌ی، نویسندگان توصیه نموده‌اند که سیاست‌های فقرزدایی در چین باید حول چنین متغیرهایی برنامه‌ریزی شوند (یان‌هوای و ژیو، ۲۰۱۷: ۱۲۵).

کراتو و گوئید^۷ به بررسی چگونگی اثرگذاری جهانی شدن بر توزیع درآمد پرداخته‌اند. از آنجایی که مدارکی از کشورهای در حال توسعه بر پایه چارچوب استاندارد هکشر-اوهلین-ساموئلسون مدعی می‌شوند که تجارت خارجی به سود کشورهای در حال توسعه عمل می‌کند و از طرفی نیز بسیاری از مطالعات تجربی خلاف این مطلب را نشان می‌دهند، بنابراین با استفاده از داده‌های دهک‌های درآمدی برای ۶۶ کشور در حال توسعه به بررسی مجدد این نظریات پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که بازبودن تجارت به نفع قشر فقیر در کشورهای توسعه یافته و مرفه می‌باشد و در کشورهای در حال توسعه در وضعیت افراد فقیر تغییری ایجاد نمی‌کند. البته جریانات مالی خارجی و دموکراسی به صورت غیر مستقیم

مالکیت، تولید ناخالص داخلی سرانه، اثر بخشی دولت، کنترل فساد و همچنین اثر مثبت نسبت جمعیت روستایی و تورم بر شاخص فقر انسانی است (حکمتی فرید و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۵).

راغفر و همکاران به بررسی رابطه رشد اقتصادی و فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی-اجتماعی پرداخته‌اند. برای این منظور کشش‌های فقر را نسبت به رشد اقتصادی و نابرابری محاسبه نموده‌اند و در نهایت نیز چگونگی توزیع منافع ناشی از رشد را به کمک شاخص نرخ رشد معادل فقر کاکوانی و سان (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار داده‌اند. تجزیه تغییرات فقر در مناطق شهری و روستایی و کل کشور نشان می‌دهد که اثر خالص رشد بر فقر منفی است اما اثر خالص نابرابری دارای نوسانات مثبت و منفی بوده است. تحولات اقتصادی و سیاسی در ایران طی دوره‌ی مورد مطالعه تا حد زیادی می‌تواند این روند نامنظم را توجیه کند. محاسبه شاخص نرخ رشد معادل فقر و مقایسه نتایج برنامه‌های توسعه اول تا چهارم اقتصادی-اجتماعی ایران نیز نشان می‌دهد که علیرغم وجود برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی در کشور سیاست اثرگذاری برای دستیابی به رفاه و آسایش مستمر دنبال نشده است (راغفر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۴).

فقه مجیدی و همکاران به مطالعه و بررسی اثر جهانی شدن بر فقر در کشورهای در حال توسعه با طبقه درآمدی بالاتر و پایین‌تر از متوسط طی دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۰ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جهانی شدن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشورهای با درآمد پایین‌تر از میانگین اثر منفی و معنی‌دار بر افزایش فقر دارد. همچنین جهانی شدن سیاسی و اجتماعی در کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط اثر معنی‌داری بر فقر ندارد ولی جهانی شدن اقتصادی اثر منفی و معنی‌دار بر افزایش فقر داشته است (فقه مجیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۵).

۳-۲- مطالعات خارجی

وون و جون^۱ به بررسی تأثیر ابعاد سه‌گانه جهانی شدن بر شیوع زاغه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه می‌پردازند. آنها از داده‌های آماری ارائه شده از وضعیت فقر شهری برنامه اسکان ملل متحد و شاخص KOF استفاده نموده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جهانی شدن اقتصادی باعث شیوع

2. Breunig and Majeed

3. Yanhuai & Ziyu

4. Shenzhen

5. Social Cohesion

6. Social Empowerment

7. Kratou and Goaiad

1. Woon and Jun

آنها، این رویکرد نه فقط برای افرادی دارای فقر مالی بلکه برای کسانی که در زندگی محدودیت دارند نیز متمرکز است.

- دوم، مفاهیمی که به کار می‌بریم باید نشان‌دهنده محرومیت‌هایی که اعمال می‌شود و عدم مشارکت داوطلبانه افراد در امور مختلف باشد. اگرچه این امر بدیهی به نظر می‌رسد اما بسیاری از شاخص‌های مورد استفاده برای محرومیت اجتماعی را غیر قابل قبول می‌کند و مفهوم محرومیت اجتماعی را با وضوح بیشتری ارائه می‌دهد.

- سوم، کمبود منابع نمی‌تواند تنها محدودیت مورد علاقه برای تحلیل فقر باشد و باید محدودیت‌های دیگر مثل ناتوانی و تبعیض جنسیتی را در تحلیل‌های خود بررسی نماییم به گونه‌ای که نباید بین محدودیت‌ها تمایزی قائل شویم.

- چهارم، رویکرد قابلیت به عملکردی گسترده‌تر از تمرکز صرف بر فقر مادی به ماهیت چند بُعدی فقر تأکید دارد. زیرا برخی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه مثل؛ افراد بی‌خانمان، معتادان به مواد مخدر و الکحل، بی‌سوادان و کسانی که سوءاستفاده جسمی یا روحی داشته‌اند، شرایطی را تجربه می‌کنند که ممکن است نتیجه مستقیم کمبود منابع مادی نباشند.

- پنجم، رویکرد قابلیت راهی را برای سازگاری بین رویکردهای محدود و گسترده فقر ارائه می‌دهد. به گونه‌ای که می‌توان بیان کرد که تصور از فقر به عنوان عدم توانایی، منطبق کردن فقر با یک مفهوم کاملاً گسترده‌تر مانند کیفیت زندگی یا رفاه است.

- ششم اینکه در چارچوب قابلیت، برای تحلیل فقر هم از رویکرد توانایی و هم از تحلیل فقر موجود در سیاست‌های اجتماعی استفاده می‌شود.

همچنین لازم به ذکر است که جهانی شدن به رغم آنکه یک روند و حرکت تدریجی طبیعی و تکاملی را طی کرده و در عصر جدید به مراحل بالایی از بالندگی و شکوفایی علمی، اقتصادی و تکنولوژی دست یافته است، ولی در عین حال آثار منفی‌ای نیز در پی داشته است که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم^۳: (۱) نبود رهبری واحد و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی و فزونی رقابت‌ها و ستیزه‌جویی‌ها، (۲) نفوذ فرهنگ غربی و آسیب به مؤلفه‌های هویتی کشورها، (۳) بروز نابرابری‌های اقتصادی در توزیع درآمد، (۴) افزوده شدن بر

دارای اثرات قابل توجهی در توزیع درآمد هستند که نشان می‌دهد این متغیرها ممکن است از طریق کانال‌های مختلف بر توزیع درآمد تأثیرگذار باشند (کراتو و گوئید، ۲۰۱۶: ۱۴۸).

برگ و نیلسون با استفاده از اطلاعات ۱۱۴ کشور طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۳ به روش پنل دیتا رابطه بین جهانی شدن و فقر مطلق بانک جهانی را مورد بررسی قرار دادند. آنها متغیر "نسبت سرشمار فقر" را به عنوان متغیر اصلی وابسته در نظر گرفتند و برای آنالیز حساسیت از شاخص‌های شکاف فقر و شدت فقر استفاده نمودند. همچنین در مطالعه خود متغیرهای کنترلی سطح تحصیلات جمعیت بالای ۱۵ سال، سهم جمعیت ساکن در مناطق شهری، مخارج نهایی مصرفی دولت، نرخ تورم و رشد سرانه GDP را نیز بکار گرفتند. این مطالعه همبستگی منفی معنی‌داری بین جهانی شدن و فقر یافته است. آنها با آزمایش ابزارهای مختلف جهانی شدن در شاخص KOF به این نتیجه رسیدند که مشخصاً جریان اطلاعات و محدودیت‌های تجارت آزاد، همبستگی قوی با سطح پایین‌تری از فقر مطلق دارند (برگ و نیلسون، ۲۰۱۴: ۵۱).

باس^۱ به بررسی اثر روند جهانی شدن و سرمایه‌گذاری خارجی بر فقر با استفاده از روش پنل دیتا برای ۱۳۵ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد اگر سیاست‌گذاری و نظارت درست صورت نگیرد، جهانی شدن باعث افزایش فقر می‌شود (آشیش باس، ۲۰۱۴: ۴۹).

هیک^۲ (۲۰۱۲: ۲۹۹) به معرفی و بررسی فقر قابلیت به عنوان رویکردی جدید در تعریف فقر می‌پردازد. وی بیان می‌کند که با وجود اینکه مفاهیم فقر، محرومیت اجتماعی و محرومیت به صورت گسترده‌ای به کار برده می‌شوند اما اغلب مشکل ساز هستند، به بیان این مشکلات می‌پردازد و بیان می‌کند که رویکرد قابلیت آمارتیا سن چارچوبی را ارائه می‌دهد که بر این مشکلات غلبه می‌کند و به عنوان چارچوبی امیدوار کننده در تحلیل فقر عمل می‌کند. هیک در ادامه شش بینش که توسط رویکرد قابلیت برای تجزیه و تحلیل فقر ارائه می‌شوند را به صورت زیر بیان می‌کند:

- اول اینکه رویکرد قابلیت این سوال را مطرح می‌کند که آیا می‌توانیم بین رویکردهای مستقیم (مفهوم فقر مادی) و غیرمستقیم به تحلیل فقر بی طرف باشیم؟ با تأکید بر اهمیت ذاتی توانایی‌های افراد نسبت به اهمیت ابزارهای صرف منابع

^۳ برگرفته از کتاب "جهانی شدن و نابرابری، سیر نزولی نولیرالیسم"، نوشته جان راپلی، انتشارات دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸.

^۱ Bass

^۲ Hick

STATA.17 تخمین‌ها صورت گرفته‌اند.

شاخص HPI: این شاخص نماینده فقر قابلیت‌ها است و در کشورهای در حال توسعه محرومیت زندگی را از سه بُعد طول عمر (زندگی طولانی و سالم)، دانش و سطح زندگی منعکس می‌کند که در فرم معادله (۲) بصورت زیر محاسبه می‌شود.

(۲)

$$HPI - 1 = \left[\frac{1}{3} (P_1^\alpha + P_2^\alpha + P_3^\alpha) \right]^{\frac{1}{\alpha}}$$

نمودار (۱) وضعیت تغییر شاخص HPI و روند تغییر آن را برای کشورهای D8 نمایش می‌دهد. همانگونه که مشهود است، شاخص HPI (نماینده فقر قابلیت‌ها) طی دوره مورد بررسی در بیشتر کشورها کاهش محسوسی نداشته و حتی افزایشی نیز بوده است. این موضوع ضرورت بررسی علل فقر قابلیت‌ها را بیش از پیش برجسته می‌نماید. آنچه که در این نمودار چشمگیر است میزان فقر قابلیت‌ها است که کشورهای مورد بررسی تقریباً در تمام دوره مورد مطالعه شاهد نرخ فقری بیش از ۲۰ درصد بوده‌اند.

شاخص جهانی شدن KOF: شاخصی برای محاسبه جهانی شدن است که از سه بعد جهانی شدن اقتصادی (۳۶٪)، اجتماعی (۳۸٪) و سیاسی (۲۶٪) تشکیل شده است و طبق آن جهانی شدن به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که باعث حذف مرزهای کشوری و الحاق اقتصادها، فرهنگ‌ها، فناوری‌ها و حاکمیت‌ها می‌شود و به ایجاد روابط پیچیده با وابستگی متقابل می‌انجامد. نمودار زیر به بررسی و مقایسه وضعیت جهانی شدن در کشورهای D8 با متوسط جهانی آن می‌پردازد. این متغیر برای کشورهای مالزی، ترکیه، مصر و اندونزی نسبت به میانگین جهانی شدن از وضعیت مطلوب‌تری بهره‌مند می‌باشد اما از طرف دیگر برای کشورهای نیجریه، پاکستان، ایران و بنگلادش از میانگین جهانی پایین‌تر بوده و از این نظر در وضعیت بدتری نسبت به سایر کشورهای مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

رشد اقتصادی: عبارت است از افزایش درآمد ملی (NI) در یک سال خاص نسبت به مقدار آن در سال پایه.

تورم: ناشی از وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به صورت مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. برای محاسبه تورم از شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) در مطالعه حاضر استفاده شده است. بجز کشور مالزی که در کنترل تورم توانسته به‌خوبی عمل کند سایر کشورها شاهد

معضل بیکاری ناشی از رشد سریع فناوری و مکانیکی شدن بسیاری از فرآیندهای تولید، (۵) جهانی شدن جرایم از قبیل قاچاق مواد مخدر و اعضای بدن، (۷) سلطه فرهنگ غربی بر دیگر فرهنگ‌ها به شکل تلاشی سیستماتیک برای مسخ کردن هویت فرهنگی سایر ملل و مطرح کردن فرهنگ غربی به‌عنوان الگوی بهینه جایگزین.

جامعه آماری، چارچوب نظری و روش انجام

پژوهش

مدل پژوهش در قالب داده‌های تابلویی^۱ برآورد می‌گردد. چارچوب نظری مدل پژوهش حاضر برگرفته از مطالعه یان هوای و ژو (۲۰۱۷) و هو و همکاران (۲۰۲۲) است که به بررسی عوامل مؤثر بر شاخص فقر در استان‌های مختلف چین مبتنی بر داده‌های پنلی پرداخته‌اند. با توجه به هدف اصلی مطالعه حاضر که بررسی تأثیر جهانی شدن بر فقر است، در کنار متغیرهای اصلی مدل، شاخص جهانی شدن نیز اضافه گردیده و در قالب رابطه (۱) ارائه می‌شود:

(۱)

$$HPI_{it} = \alpha_i + \beta_1 KOF_{it} + \beta_2 EG_{it} + \beta_3 Inf_{it} + \beta_4 RUR_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

HPI_{it} : بیانگر فقر قابلیت‌ها برای کشور i در دوره t

KOF_{it} : شاخص جهانی شدن برای کشور i در دوره t

EG_{it} : بیانگر رشد اقتصادی بر حسب درصد تغییرات NI

برای کشور i در دوره t

Inf_{it} : نرخ تورم کشور i در دوره t

$Rural_{it}$: شاخص نسبت جمعیت روستایی از کل

جمعیت برای کشور i در دوره t

همچنین در رابطه بالا اندیس $i \in \{1, \dots, N\}$ مربوط

به کشورها و اندیس $t \in \{1, \dots, T\}$ مربوط به دوره زمانی

مورد بررسی (۲۰۲۱-۱۹۹۷) می‌باشد. جامعه آماری مطالعه

حاضر مجموعه کشورهای گروه D8 شامل اندونزی، ایران،

بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه است. روش

گردآوری داده‌ها در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای بوده و

داده‌های متغیرهای مدل از سایت بانک جهانی، سایت مؤسسه

اقتصادی KOF و همچنین گزارش‌های توسعه سازمان ملل و

بانک اطلاعات شاخص‌های توسعه جهانی WDI^۲ طی دوره

۲۰۲۱-۱۹۹۷ گردآوری شده و با استفاده از نرم‌افزار

^۱ Panel Data

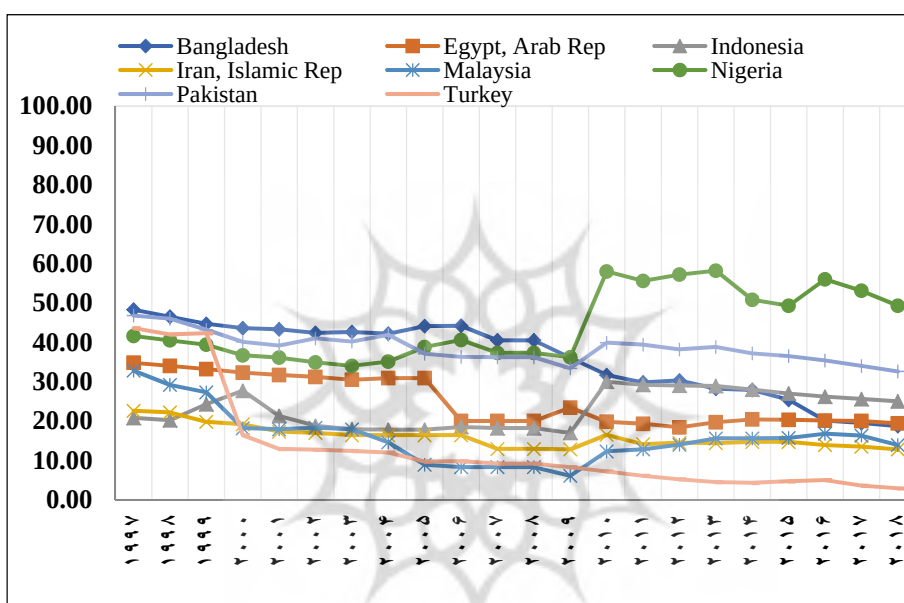
^۲ World Development Indicators

بهداشتی و به طور کلی وضعیت معیشتی مردم در میزان فقر تأثیر بسزایی دارد. نسبت جمعیت روستایی در یک روند نزولی ممتد قرار دارد و نسبت جمعیت روستایی برای کشورهای مورد بررسی طی دوره زمانی پژوهش حاضر کاهش می‌باشد. این کاهش جمعیت می‌تواند در نتیجه مهاجرت از روستا به دلیل نبود زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی لازم و به طور کلی استانداردهای پایین سطح زندگی باشد که نمونه بارز وجود فقر می‌باشند.

نوسانات زیادی در وضعیت تورم خود بوده‌اند و در اکثر سال‌های مورد بررسی تورمی دو رقمی را تجربه نموده‌اند. **شاخص نسبت جمعیت روستایی:** این شاخص که توزیع جغرافیایی جمعیت را نشان می‌دهد عبارت از نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت کشور است. (۳)

$$Rural = \frac{\text{جمعیت روستایی}}{\text{جمعیت کل}} = \frac{Rural\ Population}{Total\ Population}$$

این شاخص با توجه به وضعیت زیرساخت‌های آموزشی و



نمودار ۱. روند تغییرات شاخص HPI

مأخذ: یافته‌های پژوهش

$$var(u_t) = E(u_t^2) = \sigma_t^2 = \sigma^2 X_{jt}^2 \quad (5)$$

شکل ماتریسی معادله در فرم K متغیره در رابطه (۶) معرفی شده است:

$$y = X\beta + u \quad (6)$$

چنانچه واریانس همسان برقرار نباشد، در این صورت توزیع $\hat{\beta}$ با روش OLS عبارت است از:

$$\hat{\beta}_{OLS} \sim N(\beta, (X'X)^{-1}(X'\Omega X)(X'X)^{-1}) \quad (7)$$

این روش معروف به حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) است. تخمین $\hat{\beta}$ در مدل فوق معروف به تخمین زننده GLS است که مقدار آن معادل رابطه (۸) می‌باشد:

برای تخمین مدل پژوهش، مدل (۱)، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته قابل دسترس (FGLS)^۱ استفاده شده که این روش در شرایطی که مدل دارای مشکل خودهمبستگی و یا ناهمسانی واریانس باشد کاربرد دارد. تخمین مدل با این روش مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در مدل را رفع خواهد کرد (منجذب و نصرتی، ۱۳۹۷). برای توصیف روش GLS ابتدا حالت ساده‌ای را در نظر بگیرید که مدل K متغیره دارای واریانس ناهمسانی است. فرض کنید که واریانس u_t برابر با σ_t^2 است:

$$Y_t = \beta_1 + \beta_2 X_{2t} + \dots + \beta_j X_{jt} + \dots + \beta_k X_{kt} + u_t \quad (4)$$

¹ Feasible Generalized Least Squares

(۸)

$$\begin{aligned}\hat{\beta}_{GLS} &= (X_*'X_*)^{-1}(X_*'y_*) \\ &= [(PX)'(PX)]^{-1}[(PX)'(Py)] \\ &= (X'P'PX)^{-1}(X'P'Py) \\ &= (X'\Omega^{-1}X)^{-1}(X'\Omega^{-1}y)\end{aligned}$$

استفاده از این رابطه برای محاسبه $\hat{\beta}$ نیازمند مقادیر X و Ω است. هر چند که مقادیر X و y را داریم اما Ω و عناصر ماتریس واریانس یعنی σ_t^2 ها مجهول است. لذا بایستی تخمین آنها یعنی σ_t^2 را داشته باشیم تا با استفاده از $\hat{\Omega}$ بتوانیم تخمین $\hat{\beta}$ را به دست آوریم. این روش معروف به حداقل مربعات تعمیم یافته در دسترس (FGLS) است. فرض می‌کنیم که $\sigma_t^2 = Z_t'\alpha$ است. که α بردار ضرایب و Z_t بردار متغیرهایی است که موجب واریانس ناهمسانی شده‌اند. در این صورت ماتریس Ω وابسته به ضرایب α است که باید آنها را برآورد نمود. از طرف دیگر اگر e_t جملات خطای مدل $y = X\beta + u$ باشد، در این صورت با استفاده از رابطه $E(e_t^2) = \sigma_t^2$ خواهیم داشت:

$$e_t^2 = \sigma_t^2 + v_t = Z_t'\alpha + v_t \quad (۹)$$

با برآورد مدل (۹) $\hat{\alpha}$ ها به دست می‌آیند و با استفاده از آن $\sigma_t^2 = Z_t'\hat{\alpha}$ را حساب کرده و ماتریس $\hat{\Omega}$ را تشکیل می‌دهیم. لذا تخمین زننده FGLS که در رابطه (۱۰) آمده است حاصل خواهد شد:

(۱۰)

$$\hat{\beta}_{FGLS} = (X'\hat{\Omega}^{-1}X)^{-1}(X'\hat{\Omega}^{-1}y)$$

۴- یافته‌های پژوهش

در این بخش نتایج آزمون‌های پیش از مدل‌سازی، تخمین مدل و آزمون‌های تشخیص صحت مدل پس از برآورد، ارائه می‌شوند. بدین ترتیب که پس از معرفی خصوصیات آماری متغیرهای مدل، نتایج آزمون‌های مانایی و همچنین آزمون هم‌جمعی گزارش شده و سپس برآوردهای حاصله از تخمین مدل پژوهش معرفی می‌گردند. تفسیر و تحلیل اقتصادی یافته‌ها صورت گرفته و نهایتاً نتایج آزمون‌های تشخیص صحت مدل ارائه می‌شوند. جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای استفاده شده در مدل پژوهش حاضر را نمایش می‌دهد.

میانگین با ثبات‌ترین شاخص گرایش مرکزی است که برای داده‌های فاصله‌ای و نسبی بکار می‌رود و از تقسیم مجموع داده‌ها بر تعداد آنها محاسبه می‌شود و شرایط همه

مقاطع را از نظر شاخص‌های مورد بررسی به صورت میانگین نمایش می‌دهد. مقادیر حداکثر و حداقل نیز بیانگر حدود آستانه‌ای شاخص‌های موجود هستند و می‌توانند بازه نوسان هر متغیر را برای ما مشخص نمایند. انحراف معیار نیز یکی از شاخص‌های پراکندگی است که نشان می‌دهد به صورت میانگین داده‌ها چه مقدار از مقدار متوسط فاصله دارند. هر چقدر انحراف معیار به صفر نزدیک‌تر باشد نشانه آن است که داده‌ها نزدیک به میانگین هستند و پراکندگی کمتری دارند. چولگی و کشیدگی هم به ترتیب بیانگر میزان عدم تقارن توزیع احتمال و ارتفاع یک توزیع می‌باشند. برای یک توزیع نرمال مقدار چولگی صفر و مقدار کشیدگی سه است و هر چقدر از این مقادیر دورتر شویم از توزیع نرمال و مطلوب فاصله بیشتری می‌گیریم. برای اطمینان از کاذب نبودن رگرسیون، لازم است که آزمون مانایی بر روی متغیرها انجام شود و در صورت نامانایی، متغیرهای مورد بررسی یا در فرم مانا شده در مدل استفاده خواهند شد یا چنانچه وجود رابطه همجمعی بین آنها به اثبات رسد، می‌توان از فرم نامانای آنها در مدل استفاده نمود^۱. لذا در این مطالعه به منظور بررسی ایستایی متغیرهای مدل، از آزمون‌های بررسی ریشه واحد نظیر آزمون لوین-لین-چو، آزمون فیشر و آزمون ایم-پسران-شین استفاده می‌گردد که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است. چنانچه هر سه آزمون و یا حداقل دو آزمون بیانگر مانایی متغیر مورد نظر باشند در این حالت متغیر را مانا در نظر می‌گیریم.

با توجه به نتایج جدول ۲ این نتیجه حاصل می‌شود که بجز متغیرهای HPI و Rural که براساس آزمون مانایی ایم-پسران-شین نامانا هستند، سایر متغیرهای پژوهش در سطح مانا می‌باشند. جهت استفاده از فرم کنونی متغیرها و پرهیز از تفاضل‌گیری (که منجر به حذف روند و از دست رفتن ویژگی رفتار بلندمدت متغیر می‌گردد) از آزمون همجمعی جهت تست وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۳) گزارش شده است. در مطالعه حاضر از آزمون همجمعی کائو^۲ (KAO) استفاده شده است، که نتایج حاصل شده در جدول (۳) نمایش داده شده‌اند:

^۱ کتاب اقتصادسنجی پیشرفته، نوشته دکتر علی سوری، جلد دوم.

^۲ آزمون‌های پدرونی و وسترلاند نیز صورت گرفتند که با خطای نرم‌افزار نسبت به گزارش خروجی همراه بودند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشی‌دگی	تعداد مشاهدات
HPI	۲۶/۴۶۸۱	۵۸/۲۳۱۵	۲/۹	۱۳/۳۲۵۰	-۰/۳۱۱۷	۲/۱۹۴۱	۱۹۲
KOF	۵۸/۲۸۸۵	۸۱/۵۷۵۱	۳۳/۱۹۹۷	۱۱/۱۷۸۱	-۰/۱۱۴۲	۲/۵۷۷۵	۱۹۲
EG	-۱/۳۳۶۸	۳۵/۹۲۶۱	-۹/۹۱۵۲	۷۱/۵۵۵۶	-۶/۱۹۴۲	۴/۵۲۷۲	۱۹۲
Inflation	۱۱/۰۶۷۸	۸۵/۶۶۹۳	-۰/۸۸۳۳۰۸	۱۲/۶۱۳۲	۳/۶۸۳۸	۱۸/۹۰۶۱	۱۹۲
Rural	۴۹/۷۹۶۱	۷۷/۵۶۲۴	۲۳/۹۶۴	۱۵/۸۸۳۶	-۰/۱۷۰۹	۱/۶۳۴۶	۱۹۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. نتایج آزمون‌های ریشه واحد

متغیر	نوع آزمون	فرآیند آزمون	آماره آزمون	احتمال	وضعیت
HPI	لوین-لینگ-چو	با عرض از مبدأ	-۲/۰۱۱۵	۰/۰۲۲۱	مانا در سطح
	فیشر	با عرض از مبدأ	۱/۱۴۶۴	۰/۱۲۵۸	نا مانا در سطح
	ایم-پسرن شین	با عرض از مبدأ و روند	-۲/۰۱۱۹	۰/۰۲۲۱	مانا در سطح
KOF	لوین-لینگ-چو	با عرض از مبدأ	-۴/۹۷۷۴	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
	فیشر	با عرض از مبدأ	۲/۶۴۱۱	۰/۰۰۴۱	مانا در سطح
	ایم-پسرن شین	با عرض از مبدأ	-۲/۲۴۹۶	۰/۰۱۲۲	مانا در سطح
EG	لوین-لینگ-چو	با عرض از مبدأ	-۵/۱۶۵۳	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
	فیشر	با عرض از مبدأ	۱۴/۴۸۶۴	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
	ایم-پسرن شین	با عرض از مبدأ	-۵/۶۶۷۰	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
Inflation	لوین-لینگ-چو	با عرض از مبدأ	-۷/۸۶۹۳	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
	فیشر	با عرض از مبدأ	۸/۸۲۲۶	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
	ایم-پسرن شین	با عرض از مبدأ	-۴/۲۳۵۹	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
Rural	لوین-لینگ-چو	با عرض از مبدأ و روند	-۲/۹۲۱۵	۰/۰۰۱۷	مانا در سطح
	فیشر	با عرض از مبدأ	۲۹/۱۰۲۳	۰/۰۰۰۰	مانا در سطح
	ایم-پسرن شین	با عرض از مبدأ	۱/۳۸۶۳	۰/۹۱۷۲	نا مانا در سطح

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. نتیجه آزمون همبستگی کائو

نام آزمون	آماره آزمون	مقدار احتمال آماره
آزمون هم‌انباشتگی کائو	-۱/۹۰۹۳	۰/۰۲۸۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

و مانند آن می‌شود و از این طریق بر میزان فقر قابلیت مؤثر واقع می‌شود. نتایج برآورد حاکی از آن است که جهانی شدن با ضریب $(-1/8914)$ اثر منفی و معناداری بر میزان فقر قابلیت در کشورهای مورد بررسی دارد که این مطابق با مطالعات پیشین همچون مطالعات برگ و نیلسون (۲۰۱۴)، بهاسین و همکاران (۲۰۰۵)، گریناوی و همکاران (۲۰۰۲)، مارکل و الماس (۲۰۰۶) و مورلی و رایبسون (۲۰۰۴) می‌باشد. در واقع به ازای هر واحد افزایش در شاخص جهانی شدن، فقر قابلیت به میزان $1/8914$ واحد کاهش می‌یابد.

چنانچه اثر جهانی شدن را به ابعاد سه‌گانه آن یعنی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نسبت دهیم هر بُعد می‌تواند به صورت زیر اثر منفی خود را بر افزایش فقر قابلیت و در نتیجه کاهش آن، القا نماید:

جهانی شدن اقتصادی: جهانی شدن از بعد اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش صادرات شود. با افزایش صادرات تولید و اشتغال افزایش می‌یابد و به تبع آن وضعیت درآمدی عاملان اقتصادی بهبود خواهد یافت که با تأثیر بر استانداردهای زندگی فقر قابلیت را کاهش می‌دهد. همچنین جهانی شدن باعث ورود تکنولوژی به کشورها می‌شود که این عامل، افزایش بهره‌وری را به همراه داشته و مجدداً با ارتقای وضعیت اشتغال، فقر قابلیت را کاهش می‌دهد. همچنین، ورود تکنولوژی‌های جدید باعث تحول در حمل و نقل و شبکه ارتباطات شده و هزینه‌های حمل و نقل را کاهش داده و تولید ناخالص داخلی افزایش و فقر قابلیت کاهش می‌یابد (برگ و نیلسون، ۲۰۱۴: ۵۵).

جهانی شدن اجتماعی: یکی دیگر از دلایل اثر منفی جهانی شدن بر فقر قابلیت می‌تواند این باشد که سرویس‌های ارتباط جمعی مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، امکان ارائه آموزش‌های تحت وب را افزایش داده و دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی را آسان‌تر نموده است. برآیند این عوامل می‌تواند بر کاهش فقر قابلیت تأثیر به سزایی داشته باشد (بهاسین و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۷).

جهانی شدن سیاسی: عمده‌ترین اثر جهانی شدن سیاسی بر فقر می‌تواند ناشی از معاهده‌های بین‌المللی باشد که در این کشورها انجام می‌شود و می‌تواند اصلاحات سیاسی و اقتصادی خاصی را به همراه داشته باشد و به دنبال چنین بهبودهایی در شرایط سیاسی-اقتصادی، وضعیت فقر تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (برگ و نیلسون، ۲۰۱۴: ۵۲).

با توجه به مقدار ارزش احتمال محاسبه شده این نتیجه حاصل می‌شود که متغیرهای مدل هم‌انباشته می‌باشند و وجود رابطه بلندمدت بین آنها تأیید می‌شود. همانطور که قبلاً اشاره شد، با تأیید هم‌انباشته بودن متغیرها چنانچه برخی از آنها نامانا باشند نیز همچنان می‌توان از فرم نامانای آنها در تخمین مدل استفاده نمود. پس از آزمون‌های مانایی و همجمعی، از آزمون لیمر^۱ جهت تعیین استفاده از رویکرد تخمین داده‌های تابلویی (پنل دیتا) در برابر داده‌های تلفیقی (پول دیتا)^۲ استفاده شده و پس از تأیید فرم پنلی تخمین داده‌ها، از آزمون هاوسمن^۳ برای تست اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی استفاده شده است که نتایج این دو آزمون در جدول (۴) خلاصه شده‌اند:

جدول ۴. نتایج آزمون‌های لیمر و هاوسمن

نام آزمون	آماره آزمون	ارزش احتمال (P-value)
آزمون لیمر (F-Limer)	۲۸/۰۷	۰/۰۰۰
آزمون هاوسمن (χ^2)	۲۱/۳۹	۰/۰۰۰۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مقدار احتمال آماره اف-لیمر معنادار است (احتمال کمتر از ۰/۰۵) بنابراین فرضیه صفر رد شده و فرضیه مقابل آن یعنی مدل دارای اثرات ثابت (مدل پانل) پذیرفته خواهد شد. آماره آزمون هاوسمن نیز معنادار است و فرضیه صفر مبنی بر وجود مدل پانل تصادفی رد شده و فرضیه مقابل آن یعنی مدل دارای اثرات ثابت پذیرفته خواهد شد. بنابراین مدل نهایی پژوهش حاضر مدل پانل با اثرات ثابت خواهد بود. با توجه به اینکه مدل اولیه به روش اثرات ثابت دارای مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی بود، بنابراین برای برآورد آن از روش معروف به حداقل مربعات تعمیم یافته قابل دسترس^۴ استفاده شده است. نتایج برآورد و تخمین پارامترهای مدل پژوهش در جدول (۵) گزارش شده است که نتایج نهایی حاصل از برآورد الگو را نمایش می‌دهد. جهانی شدن موجب افزایش حجم و تنوع مبادلات کالاها و خدمات، افزایش جریان بین‌المللی سرمایه، تسریع انتقال تکنولوژی، بهبود ارتباطات، توسعه دموکراسی و آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی

۱. F-Limer

۲. Pool Data

۳. Hausman

۴. FGLS

جدول ۵. نتیجه تخمین نهایی مدل با روش FGLS (متغیر وابسته HPI)

متغیر	ضریب برآوردی	ارزش احتمال (P-value)
عرض از مبدا	۷/۴۸۱۸	۰/۲۴۰۱
KOF	-۱/۸۹۱۴	۰/۰۱۲۱
EG	۰/۲۱۶۸	۰/۰۶۳۵
Inflation	۰/۱۳۲۰	۰/۰۱۳۷
Rural	۰/۵۶۵۴	۰/۰۰۰۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بهداشتی، حمل و نقل و نظایر آنها به کار گرفته نشود، افزایش فقر قابلیت‌بندی به نظری می‌رسد (آدامز، ۲۰۰۴: ۲۰۵). یکی از متغیرهایی که وضعیت فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تورم است. این پدیده به طریق مستقیم و غیرمستقیم حجم فقر و محرومیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث افزایش فقر می‌شود به این صورت که به طریق مستقیم افزایش قیمت‌ها باعث کاهش قدرت خرید افراد جامعه به ویژه افراد فقیر و کم درآمد می‌گردد، در نتیجه تقاضای این گروه از افراد را برای کالاهای اساسی کاهش داده و با کاهش سطح انرژی دریافتی، منجر به تشدید وضعیت فقر می‌شود. در روش غیرمستقیم نیز افزایش قیمت‌ها، منجر به عدم اطمینان در بازارها می‌شود که نتیجه آن کاهش تمایل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نهایت محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی است، این مسئله نیز به نوبه خود باعث کاهش درآمدها، افزایش بیکاری و تشدید فقر خواهد شد. مطابق با توضیحات فوق انتظار داریم که تورم دارای اثری مثبت و معنادار بر فقر باشد که نتایج برآورد مدل نیز نشان دهنده چنین وضعیتی است به این صورت که تورم با ضریب ۰/۱۳۲۰ دارای اثری مثبت و معنادار بر میزان فقر قابلیت‌بندی است. در واقع به ازای یک درصد افزایش در تورم، فقر قابلیت‌بندی به میزان تقریبی ۰/۱۳۲ واحد افزایش خواهد یافت. بر این اساس دولت‌ها در راستای حذف اثرات منفی ناشی از تورم، مجموعه اقدامات و خدمات رفاهی را در قالب سیاست‌های تأمین اجتماعی جهت حمایت از دهک‌های پایین‌تر جامعه و مبارزه با مضر فقر، انجام داده‌اند. از جمله این اقدامات پرداخت یارانه می‌باشد، یارانه‌ها یکی از روش‌های اجرایی سیاست‌های توزیعی و حمایتی دولت‌ها هستند. هدف از سیاست‌های حمایتی دولت در قالب یارانه، افزایش درآمد و

نتایج تحقیق حاکی از اثر مثبت و معنادار رشد اقتصادی بر شاخص فقر قابلیت‌بندی است، به این صورت که یک درصد افزایش رشد اقتصادی (بر حسب درآمد ملی)، میزان فقر قابلیت‌بندی را به اندازه ۰/۲۱۶۸ واحد افزایش می‌دهد. این در حالی است که با افزایش رشد اقتصادی انتظار کاهش فقر هر چند به صورت اندک را داریم. چنانچه به مقوله فقر بصورت جزئی‌تر نگاه شود، می‌توان گفت که رشد اقتصادی بصورت مستقیم و غیرمستقیم فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اثر مستقیم رشد اقتصادی بر فقر در شاخص‌های فقر منعکس می‌شود و اثر غیر مستقیم آن نیز از مسیر تغییر نابرابری در توزیع درآمد قابل اندازه‌گیری است. رشد اقتصادی و به تبع آن افزایش درآمدهای جامعه، می‌تواند از طریق گسترش بازارها و افزایش اشتغال نقش قابل توجهی را در کاهش فقر ایفا نماید. برخی از مطالعات انجام شده در زمینه رشد مانند مطالعه دالر و کرای (۲۰۰۰) نشان می‌دهند که با رشد اقتصادی و بدون توجه به ماهیت آن، درآمد افراد فقیر افزایش می‌یابد و رشد اقتصادی در راستای منحنی U معکوس کوزنتس منجر به کاهش فقر می‌شود. اما گروهی دیگر عقیده دارند که رشد اقتصادی به افزایش نابرابری در توزیع درآمد و دارایی منجر می‌شود و افزایش نابرابری در توزیع درآمد، مانع از کاهش فقر می‌شود. آدامز (۲۰۰۴) و فورسیس (۲۰۰۰)، شواهد فراوانی را ارائه کرده‌اند که رشد اقتصادی به اختلاف درآمدی دامن زده و به عنوان یک مانع در مقابل کاهش فقر عمل می‌کند. با توجه به این شرایط می‌توان چرایی افزایش فقر را با وجود رشد اقتصادی توضیح داد. دلیل اصلی برقراری رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و فقر قابلیت‌بندی می‌تواند ناشی از این موضوع باشد که چنانچه منافع حاصل از رشد اقتصادی، برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز جامعه اعم از زیرساخت‌های آموزشی،

توجه به این مقوله اهمیت زیادی پیدا می‌کند. زیرا وجود جمعیت روستایی گسترده نیازمند وجود زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و به‌ویژه سیستم حمل و نقل کارآمد است. کمبود یا نبود این زیرساخت‌ها و امور زیربنایی در مناطق روستایی می‌تواند دنبال کردن سیاست‌های ملی را با مشکل مواجه کند و از طرفی نیز جنبه‌های مختلف فقر را افزایش دهد که نمونه بارز آن گسترش فقر قابلیت‌ی است (وون و جون، ۲۰۲۰). پس از برآورد مدل، از آزمون‌های خودهمبستگی پسران (۲۰۰۴) جهت بررسی وجود خودهمبستگی در بین مقاطع و آزمون وولدریج (۲۰۰۲) جهت بررسی وجود خودهمبستگی در جمله پسماند معادله رگرسیون استفاده شده است. همچنین جهت بررسی ناهمسانی واریانس از روش نسبت حداکثر درستنمایی (LR) استفاده شده که نتایج این سه آزمون در جدول (۶) خلاصه شده‌اند:

قدرت خرید افراد و خانواده‌های کم درآمد است تا از این طریق دامنه انتخاب آنان افزایش پیدا کند و در سطح رفاه بالاتری قرار گیرند. این مجموعه اقدامات حمایتی اگر به صورت مؤثر انجام گیرد باعث دسترسی افراد محروم به خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب و کارآ و افزایش سطح استاندارد زندگی آنها می‌گردد که در نهایت در قالب کاهش فقر قابلیت‌ی نمود پیدا می‌کند (رایینز، ۲۰۰۶: ۳۶۰).

در ارتباط با توزیع جغرافیایی جمعیت و متغیر نسبت جمعیت روستایی نتایج مدل نشان دهنده اثر مثبت و معنادار نسبت جمعیت روستایی بر شاخص فقر قابلیت‌ی است. بگونه‌ای که با افزایش یک درصدی سهم جمعیت روستایی از کل جمعیت، میزان فقر قابلیت‌ی (۰/۵۶۵۴) واحد افزایش می‌یابد که مقدار قابل توجهی است. با توجه به اینکه طبق آمارهای بانک جهانی و بصورت میانگین حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشورهای مورد بررسی را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد،

جدول ۶. نتایج آزمون‌های خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس

نام آزمون	آماره آزمون	مقدار احتمال آماره
پسران	۰/۰۸۹۳	۰/۰۹۳۶
وولدریج	۱۷۳/۹۶۹۸	۰/۴۱۰۷
نسبت راستنمایی	۱۰۷/۲۶۰۱	۰/۶۳۳۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

دین اسلام مطرح شده است، برقراری عدالت و ارتقاء رفاه اقتصادی افراد است اما آمارهای منتشر شده در خصوص شاخص‌های فقر در کشورهای مسلمان، وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهند. به‌عنوان مثال براساس شاخص فقر قابلیت‌ی که بین صفر تا صد می‌باشد، کشورهای مسلمان گروه D8 دارای میانگینی معادل با ۲۶٪ هستند. همچنین، پژوهش‌های انجام شده درمورد سایر کشورها نیز دچار تناقض در یافته‌ها و جهت اثرگذاری متغیرها هستند که ضرورت بررسی این مسئله را دوچندان می‌کند. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر بررسی اثر عوامل مؤثر بر فقر قابلیت‌ی در کشورهای منتخب مسلمان موسوم به گروه D8 براساس روش حداقل مربعات تعمیم یافته در دسترس (FGLS) طی دوره زمانی ۲۰۲۱-۱۹۹۷ می‌باشد. با توجه به یافته‌های تحقیق در خصوص وجود رابطه منفی میان جهانی شدن و فقر قابلیت‌ی، توصیه می‌شود که در راستای پیوستن به اقتصاد بین‌الملل و همگرایی با اقتصادهای

با توجه به جدول (۶) معنادار نبودن آماره آزمون پسران بیانگر عدم همبستگی (وابستگی) بین مقاطع می‌باشد. همچنین عدم معناداری آماره آزمون وولدریج بیانگر عدم خودهمبستگی در جمله خطای رگرسیون است. با توجه به اینکه آماره آزمون ناهمسانی واریانس نیز غیر معنادار است، نتیجه می‌شود که مدل نهایی در پژوهش حاضر فاقد مشکل ناهمسانی واریانس است و استفاده از رویکرد FGLS توانسته است که وجود ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در مدل اولیه را برطرف نماید.

۵- نتیجه‌گیری

مبارزه با معضل فقر و افزایش رفاه اقتصادی همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. پدیده فقر نه تنها دارای ابعاد اقتصادی بلکه دارای جنبه‌های اجتماعی نیز می‌باشد و بدین جهت دارای اهمیتی دوچندان می‌گردد. از جمله مسایلی که مکرراً در آموزه‌های اقتصادی

در حال توسعه هستند و از نوسانات رشد زیادی برخوردارند، ضرورت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی، حمل و نقل و نظایر آن برای تحکیم وضعیت اقتصادی و کاهش فقر احساس می‌شود. از آن جایی که یافته‌های تحقیق بیانگر ارتباط مثبت بین تورم و فقر قابلیت می‌باشند، در راستای کاهش اثرات منفی تورم، پیشنهاد می‌گردد که در کشورهای گروه D8 سیاست‌های پولی در جهت اهداف ضد تورمی از قبیل سیاست کاهش حجم نقدینگی و بدهی‌های دولتی به بانک مرکزی جهت کنترل تورم انجام پذیرد.

جهانی، سیاست‌گذاری مناسب در این زمینه صورت بگیرد بدین ترتیب که با برداشتن موانع تجارت آزاد، ایجاد مؤسسات مختلف برای دانش افزایی و مهارت یابی کارگران غیرماهر جهت تبدیل هرچه سریع‌تر آنها به نیروی کار ماهر، افزایش حمایت‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت در جهت جذب سرمایه خارجی بخصوص در صنایع کاربر نسبت به جذب نیروی کار موجود در سطح کشورهای مسلمان، زمینه‌های لازم برای کاهش فقر، مهیا شود. با توجه به یافته پژوهش در خصوص ارتباط مثبت بین رشد اقتصادی و فقر قابلیت، پیشنهاد می‌شود که اقتصادهای گروه D8 به اتخاذ سیاست‌های ترکیبی شامل سیاست‌های مشوق رشد در کنار بازننگری در نحوه توزیع مجدد درآمدها روی آورند. با توجه به اینکه مجموعه کشورهای منتخب مسلمان در پژوهش حاضر جزء کشورهای

منابع

- Acar, H. & Karaagaç, Y. (2021). "D-8 Organization for Economic Cooperation and Turkey Within the Scope of International Political Relations". *International Journal of Social and Humanities Sciences*, 5(3), 67-80.
- Adams Jr, R. H. (2004). "Economic Growth, Inequality and Poverty: Estimating the Growth Elasticity of Poverty". *World Development*, 32(12), 199-214.
- Afghah, S. M., motalebalnejad, M. & Ghobishavi, A. K. (2018). "Investigating the Effect of Globalization and Economic Growth on Poverty in Iran". *Financial and Economic Policy Quarterly*, 7(25), 31-57. (In Persian).
- Akbarian, R. & Zare Haghighi, N. (2010). "Investigating the Impact of Economic Openness and Economic Growth on Poverty: the Case of Iran". *Quarterly Journal of Quantitative Economics (Formerly Economic Reviews)*, 2, 25-50. (In Persian).
- Bass, A. (2014). "Revining the Globalization and Poverty Debate: Effects of Real and Financial Integration on the Developing World". *Advances in Economics and Business*, 2(1), 42-57.
- Basu, K. (2006). "Globalization, Poverty, and Inequality: What is the Relationship? What Can Be Done?" *World Development*, 34(8), 1361-1373.
- Bergh, A. & Nillson, T. (2014). "Is Globalization Reducing Absolute Poverty?" *World Development*, 62, 42-61.
- Bhagwati, J. N. (1988). "Poverty and Public Policy". *World Development Report*, 16(5), 539-654.
- Bhasin, V. K. & Obeng, C. K. (2006). "Trade Liberalization, Foreign Borrowing, Poverty and Income Distributions of Households in Ghana". *ICFAI Journal of Applied Economics*, 5(4), 38-53.
- Biswas, A. K. & Seetharam, K. E. (2008). "Achieving Water Security for Asia: Asian Water Development Outlook, 2007". *International Journal of Water Resources Development*, 24(1), 145-176.
- Breunig, R. & Majeed, O. (2019). "Inequality, Poverty and Economic Growth". *International Economics*, 161, 83-99.
- Dollar, D. & Kaary, A. (2004). "Trade, Growth, and Poverty". *The Economic Journal*, 114, 22-490.
- Feqheh Majidi, A., Zarooni, Z. & Samadipour, Sh. (2014). "Impact of Globalization on Poverty in Developing

- Countries". *Quarterly Magazine of Strategic and Macro Policies*, 3(12), 79-98. (In Persian).
- Greenaway, D., Morgan, W. & Wright, P. (2002). "Trade Liberalization and Growth in Developing Countries". *Journal of Development Economics*, 67, 229-244.
- Jafari Samimi, A. & Bahraini, N. (2014). "Comparison of the Impact of the three Dimensions (economic, Social and Political) of Globalization on Economic Growth in Selected Countries of the Middle East and North Africa Region". *Economic Strategy Scientific-Research Quarterly*, 4(13), 77-110. (In Persian).
- Jafari Samimi, A., Zaruki, S. & Sadati Amiri, S. R. (2017). "Analysis of Economic Welfare with Emphasis on the Dimensions of Globalization". *Economic Modeling*, 12(44), 1-23. (In Persian).
- Hamidian, A., Hizbavi, A. & Yusofund, H. R. (2013). "Poverty, Inequality, Middle Class in Iran". *Social Development*, 9(1), 37-66. (In Persian).
- Hanson, G. H. (2007). "Globalization, Labor Income, and Poverty in Mexico". in *Globalization and Poverty* (pp. 417-456). University of Chicago Press.
- Harrison, A. (2006). "Globalization and Poverty". National Bureau of Economic Research 1050 Massachusetts Avenue, Cambridge, MA 02138, June 2006 Working paper.
- Hassanzadeh, A. & Foz Muslimian, M. (2009). "Evaluating the Effects of Globalization on Poverty; a Case Study of Developing Countries". *Economic Research Journal*, 10(1), 254-223. (In Persian).
- Hekmati Farid, S., Jahangiri, Kh. & Moradkhani, A. (2014). "The Impact of Globalization on the Human Poverty Index (HPI)". *Quarterly Journal of Applied Economic Theories*, 2(2), 61-80. (In Persian).
- Hick, R. (2012). "The Capability Approach: Insights for a New Poverty Focus". *Journal of Social Policy*, 41(2), 291-308.
- Kakwani, N. & Pernia, E. M. (2000). "Pro-Poor Growth and Income Inequality". *Asian Development Bank*.
- Kratou, H. & Goaiad, M. (2016). "How Can Globalization Affect Income Distribution? Evidence from Developing Countries". *The International Trade Journal*, 30(2), 132-158.
- Kuznets, S. (1955). "Economic Growth and Income Inequality: In the Gap between Rich and Poor". *American Economic Review*, 45, 25-37.
- Madanigha Farrokhi, S. (2016). "The Necessity of Fighting the Phenomenon of Poverty and Inequality in Iran". Tehran: Aghaz Publications. (In Persian).
- Mahmoudi V. & Samimifar, S. Q. (2004). "Capability Poverty". *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, 4(17), 10-47. (In Persian).
- Monjazez, M. R. & Nosrati, R. (2017). "Advanced Econometric Models with Eviews and Stata". Tehran: Mehraban Nashr Institute of Books. (In Persian).
- Mujeri, M. K. & Khondker, B. H. (2002). Globalization Poverty Interactions in Bangladesh. *MIMAP-Bangladesh Technical Paper; No. 04*.
- Raghfar, H., Babapour, M. & Yazdanpanah, M. (2014). "Investigating the Relationship between Economic Growth and Poverty and Inequality in Iran During the First to Fourth Development Plans". *Iranian Applied Economic Studies Quarterly*, 4(16), 59-79. (In Persian).
- Robeyns, I. (2006). "The Capability Approach in Practice". *The Journal of Political Philosophy*, 14(3), 351-376.
- Sen, Amartya kumar (2013) "Development Means Freedom". (Nuri Naini, Mohammad Saeed; Translator). Tehran: Ney Publishing (Published the Original Work 1999. (In Persian).

- Sen, A. K. (1985). "A Sociological Approach to the Measurement of Poverty". *Oxford Economic Papers*.
- Sen, Amartya K. (1998) "Development as Freedom". New York: Knopf.
- Sen, A. K. (1999). "Beyond the Crisis: Development Strategies in Asia". *Institute of Southeast Asian*.
- Shakil, A. & Imran, Kh. (2022). "The Impact of Globalization, Foreign Direct Investment and Trade Openness on Poverty: a Case Study of Pakistan". *Economic Consultant*, 37(1), 41-60.
- Sharifzadegan, M. H. (1386). "Strategies of Economic Development and Social Justice". *Social Welfare*, 24(1), 7-30. (In Persian).
- Son, H. (2004). "A Note on Pro-Poor Growth". *Economics Letters*, 82, 307-314.
- Townsend, P. (1979). "Poverty in the United Kingdom, A Survey of Household Resources and Standards of Living". New York 10022, U. S. A.
- Woo, B. & Jun, H. J. (2020). "Globalization and Slums: How do Economic Political, and Social Globalization Affect". Wiley Pub Inc.
- Xiaoyuan, H., Haito, W. & Wei, W. (2022). "Identification and Measurement of Multidimensional Relative Poverty of Chinese Rural Adults Considering Climate Factors". *Frontiers in Environmental Science*, 2(79), 1-11.
- Yanhui, Xu & Ziyu, Gong (2017). "Social Quality, Community Capacity, and Capability Poverty of Urban Residents in Shenzhen, China". *The International Journal of Social Quality*, 35(4), 114-135.

